



۲۰۱۸/۰۲/۱۹

همایون شاه عالمی

## ابیات برگزیده ای از نورالدین عبدالرحمن جامی هروی (ج)



که بود کار فلک کیسه بُری  
شور دعویگریت را چه نمک  
پسته چون پوچ بود نشکافد  
سرنگونی ز پی نفس دغاست

سر فرازی مکن از کیسه پُری  
چون برد کیسه تو دزد فلک  
مفلس از جیب تهی کی لافد  
سر نهادن که نه از بهر خداست

سگ پی لقمه چو دم جنباند  
بهرتر از سبالت آن کس، دم سگ  
هر تواضع که پی منفعت است  
طمع از خلق گدایی باشد  
سره گر خواند یکی ناسره ات  
کانچه گفت او به ته تو بره هست  
ز اول و آخر خود یادی کن  
وین زمان نیز ببین تا که چه بی

عقل آن را نه تواضع خواند  
که بر او بهر طمع جنبد رگ  
از خسان، آن نه تواضع صفت است  
گر همه حاتم طایی باشد  
سر فرو کن به ته تو بره ات  
یا نه بر تو سخن ناسره بست  
خویش را هم بخود ارشادی کن  
نکته دان شو به یقین تا که چه بی

گر چنین نامه خود بر خوانی

بارنامه پس از این نتوانی

